

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y2Q301052 ISSN-P: 2717-1132

سیاست های جنایی ایران در جلوگیری از

به وجود آمدن مجرمین یقه سفید

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۳/۱۲)

سولماز غفاری

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

چکیده

در این مقاله می‌خواهیم در ابتدا به این موضوع بپردازیم که عوامل موثر بر شکل گیری مجرمین یقه سفید چه عواملی می‌باشند؟ در واقع در این تحقیق عوامل موثر داخلی و خارجی، مستقیم و غیر مستقیم که در شکل گیری مجرمین یقه سفید دخالت دارند تبیین می‌گردد. سپس در قدم بعدی به بررسی سیاست‌هایی که سیستم جنایی قضایی و حقوقی ایران در جلوگیری از به عمل آمدن مجرمین یقه سفید مورد استفاده قرار می‌گیرد، پرداخته می‌گردد. به طور کلی در سالهای اخیر ایران سیاست‌های نرم افزاری جدید و مبتکرانه ای برای این منظور طراحی کرده و به مرحله اجرا درآورده است. که در طول این تحقیق به آنها پرداخته می‌گردد. روش پژوهش به صورت کیفی و توصیفی بوده است و به صورت موردی با نمونه های مشخص شده از میان مجرمین یقه سفید، گزارش و مصاحبه تهیه گردیده است. به طور کلی بیان می‌گردد که پارامترهایی در به وجود آمدن مجرمین یقه سفید دخالت دارند که به ذات قوانین و خلاءهای قانونی مرتبط می‌باشند. نوآوری این پژوهش در ارائه راهکارهایی است که می تواند بر میزان کاهش مجرمین یقه سفید بسیار موثر باشد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، مجرمین یقه سفید، مجازات مجرمین، پیشگیری از جرم،

جرم شناسی

مقدمه

بررسی مجرمین یقه سفید و روشهای آنها برای پیش رفتن به سمت اهدافشان از جمله مباحث مهمی است که هر نظام حقوقی با آنها مواجه می‌باشد. مجرمین یقه سفید بنا به روشهای در ظاهر قانونمندی که استفاده می‌کنند و همچنین حوزه های وسیعی که با جرایم خود، آنها را مورد هدف قرار می‌دهند، باعث به وجود آمدن تاثیرات منفی نامطلوبی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در سطح جوامع می‌باشند. در این پژوهش تعریفی جامع از مجرمین یقه سفید و روشهای آنها ارائه می‌گردد و در قدم بعدی راهکارهایی که نظام حقوقی ایران برای مقابله با این طیف از مجرمین مورد استفاده قرار می‌دهد، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

بخش اول: اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجایی که در جوامع مدرن امروز، سطح روابط پیچیده و گسترده شده است، لذا بعضی از انسانها در زندگی فردی و اجتماعی برای کسب سود و منفعت بیشتر، از این پیچیدگی و گستردگی روابط استفاده برده و با خلق روشهای نوین، سعی می‌کنند که با ترکیب روشهای کلاسیک و مدرن، از طریق غیرقانونی سود و منتهایی کسب نمایند و از این طریق منافع جامعه را با خطر و چالش جدی مواجه می‌کنند. امنیت این گروه که با قانون تامین میشود باعث گستردگی و وسعت فعالیتهای این گروه و همچنین رشد روز افزون تعداد این مجرمین می‌گردد. لذا ضرورت و اهمیت دارد که عوامل موثر بر این آسیب اجتماعی شناخته و تبیین گردد و راه های مختلف به منظور ایجاد موانع اساسی ارائه گردد. بسیار حائز اهمیت است که سیاستهای جنایی و پیشگیرانه نظام حقوقی ایران مورد بررسی و توجه قرار گرفته تا بتوانی با اغنا بخشیدن به این راهبردها، هر چه بیشتر در برابر چنین جرایمی جلوگیری عمده و وسیع به وجود آید.

بخش دوم: هدف و سوالات تحقیق

هدف اصلی این تحقیق عبارتست از شناسایی عواملی که باعث به وجود آمدن مجرمین یقه سفید می‌گردند. و همچنین شناخت سیاستهایی که در برابر این مجرمین وجود دارد. همچنین اهداف فرعی تحقیق نیز عبارتند از: یک/ بررسی روشهای مورد استفاده مجرمین یقه سفید به منظور ارتکاب جرایم. دو/ بررسی راه حل‌های موجود به منظور جلوگیری از اقدامات وسیع این گروه از مجرمین.

بخش سوم: فرضیه تحقیق

به نظر میرسد ساختار نظام حقوقی جوامع و وجود نظام کامن لا و خصوصیات آن، به همراه خلاءهای قانونی موجود و تفسیرهای فراوان بستر مناسبی را برای رشد و نمو مجرمین یقه سفید ایجاد نموده است. مهمترین عوامل موثر بر خلق مجرمین یقه سفید را میتوان در خود قانون جستجو نمود. ظرفیتهای و محدودیتهای قوانین باعث خلق بسیاری از این مجرمین میگردد و در واقع سیاستهای جنایی ایران از هوشمندی و ابتکار لازم برای جلوگیری به عمل آوردن از ایجاد مجرمین یقه سفید، برخوردار نیستند.

بخش چهارم: مبانی نظری

بند اول: مفهوم شناسی

مجرمین یقه سفید: مجرمین یقه سفید کسانی هستند که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می شوند. مهم ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست محیطی، جرایم رایانه ای و جرایم گمرکی. برخی از جرایم یقه سفیدی بزه دیده مستقیم دارند و برخی بزه دیده مستقیم ندارند ولی به هر حال جامعه و اعضای آن بزه دیده واقع می شوند. از این رو، کلیه افراد جامعه باید تشویق به همکاری در مقابله با این جرایم شوند و به اندازه کافی تحت حمایت قانونی واقع شوند. در ایران بیشتر مصادیق جرایم یقه سفیدی جرم انگاری شده ولی تناسب لازم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به آثار آنها صورت نگرفته است. (سلیمی، ۱۳۸۳) لازم است در این قسمت مفهوم مجرمین یقه سفید را کمی توسعه داده و تعریفی صحیح تر را ارائه نماییم. مجرمین یقه سفید کسانی هستند که برای اهداف مجرمانه خویش، از روشهای قانونی استفاده میکنند. روشهای قانونی آنها برای ارتكاب به جرایم مختلف میتواند سوءاستفاده از سکوت قانون و خلاء موجود در عنصر قانونی باشد. مجرمین یقه سفید صرفا جرایم مالی انجام نمیدهند. چه بسا جرایم خشن و جسمانی نیز مرتکب گردند ولی در آن از روشهای قانونی بهره برداری کنند. لزوما حوزه جرایم مجرمین یقه سفید در مقیاسهای بزرگ صورت نمیپذیرد، چه بسا سرقتهای کوچک و جرایم کوچک مالی نیز توسط مجرمین یقه سفید صورت پذیرند. مجرمین یقه سفید صرفا اعمال ضد قانونی انجام نمیدهند. بلکه آنها به طور کلی از قانون به عنوان ابزاری استفاده میکنند و جرایم خود را در بستر آن طراحی کرده و به اجرا در می آورند. آنها اهداف مجرمانه ای را مثل کسب مال نامشروع

مدنظر دارند و جستجو میکنند ولی برای رسیدن به این هدف غیرقانونی و غیرشرعی، روشی را انتخاب و طراحی میکنند که منطبق با قوانین بوده باشد. به عنوان مثال افرادی که در ادارات دولتی به جای گرفتن رشوه به صورت مستقیم، افراد را با اطلاع زمان سردوانده و بستر اخذ رشوه را فراهم میکنند و سپس در مرحله بعد صحبت از یک انسان شریف میکنند که نیاز به کمک مالی دارد. این علامت و نشانه همان مفهوم ضمنی اخذ رشوه است ولی به خاطر صریح نبودن و عدم ارتباط علیتی بین اخذ رشوه و انجام گرفتن کار، به سادگی به اصطلاح خودشان، قانون را دور زده و به هدف غیرقانونی ولی در بستر قانون میرسند. یا افرادی که شغلشان گرفتن بهره و ربا است و در رسانه های رسمی و غیر رسمی به صورت شجاعانه فعالیت خویش را تبلیغ نیز مینمایند و طعمه خویش را با چند قرارداد مدنی در دام خویش انداخته و اقدام به کسب مال ربا میکنند ولی به خاطر قرارداد منطبق با قانون، از چنگال پر قدرت عدالت در امان هستند. یا افرادی که با صحنه سازیهای مختلف، باعث به وجود آمدن درگیریهای جسمی شده و با گرفتن دیه به اهداف غیرقانونی خود میرسند. همه اینها شاید افرادی خشن باشند و رفتارهایشان با خشونت همراه باشد و حتی در حوزه جرایم علیه اشخاص نیز وارد گردند ولی همگی طبق این تعریف در طبقه مجرمین یقه سفید قرار میگیرند، چرا که اینها برای رسیدن به اهداف غیر قانونی شان از روشهای قانونمند استفاده مینمایند.

سیاستهای جنایی: مفهوم سیاست جنایی از بدو خلقت تا به امروز تطورات و تحولات فراوانی را به خود دیده است به طوریکه نتیجه این فرایند، فربه تر شدن این اصطلاح از آغاز تا زمان کنونی شده است. بدین گونه که به طور کلی مفهوم سیاست جنایی از ابتدا تا اکنون به دو صورت متفاوت، از مضیق شروع شده و با رویکرد موسع به اوج رسیده است. آغازگر این اندیشه در سال ۱۸۰۳ میلادی، فویر باخپروفیسور آلمانی است که با به کار بردن اصطلاح سیاست جنایی در کتاب حقوق کیفری خویش، برای اولین بار این اصطلاح را وارد قلمرو حقوق کیفری نمود، از دیدگاه او سیاست جنایی، شامل مجموعه شیوه‌هایی سرکوبی می‌شود که دولت از طریق آن‌ها و با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (دلماز مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۳) با توجه به مولفه‌های تعریف فوق از یک سو و گستردگی قلمرو حقوق کیفری از سوی دیگر، باعث شده است که امروزه، به برداشت فویر باخ از سیاست جنایی، تعبیری مضیق یا به اصطلاح همان سیاست کیفری در معنای خاص، اطلاق گردد. چرا که سیاست جنایی در تفکر فویر باخ: تدبیرها و اقدام‌ها، عمدتاً ماهیت قهر آمیز و

تنبیهی دارد. این ابزارها کاملاً جنبه رسمی (دولتی) دارند، بدین معنا که صرفاً قوای عمومی حاکمیت (محکمه، پولیس، زندان...) اجرا کننده این ابزارها می‌باشند. جرم اولاً تنها پدیده‌ای است که این ابزارها به مقابله با آن می‌پردازند. ثانیاً تعریف و حد و مرز جرم را نیز قانونگذار مشخص نموده است. بنابراین سایر رفتارهای منحرفانه، هرچند که از لحاظ اخلاقی و اجتماعی مذموم هم باشند از این تعریف خارج است. پیش‌گیری از جرم نیز، تبعاً تنها پیش‌گیری کیفری را شامل می‌شود، چرا که اقدام‌های پیش‌گیری غیر کیفری در این تعریف جایگاهی ندارد (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۱). دانشمند آلمانی فون لیستدر ۱۸۸۹ نیز مبتنی بر همین دیدگاه مضیق، سیاست جنایی را «سازماندهی عقلی مبارزه علیه جنایت بر پایه داده‌های دانش جرم‌شناسی» می‌داند (نجفی ابرآبادی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۰۷). در فرانسه نیز آقای کوش (۱۹۰۵) در «رساله علم اداره و قوانین زندان‌ها» خود با تفکیک علوم محض از دید وی که شامل (جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی و انسان‌شناسی جنایی) می‌شد از سیاست جنایی، به دنبال تعیین جایگاه سیاست جنایی در میان سایر رشته‌های علوم جنایی بود، بدین ترتیب از دیدگاه وی سیاست جنایی یعنی «یک علم کاربردی که هدف آن موفقیت عملی در سازمان‌دهی عقلانی و موثر مبارزه با جرم است» (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۲) (۱۲) (النهایی دندی یو دو وابر استاد دانشگاه پاریس و قاضی دادگاه نورنبرگ (۱۹۳۸) دیدگاهی مشابه به کوش را تا نیمه‌های سده بیستم بر قلمرو علوم جنایی ادامه داد به نظر ایشان «سیاست جنایی یک هنر و فن است که موضوع آن کشف روش‌هایی است که مبارزه ی موثر علیه جرم را میسر می‌سازد» (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۲). پس از پایان جنگ دوم جهانی، آقای مارک آنسل قاضی و پژوهشگر فرانسوی در مقاله خویش در سال ۱۹۷۵، تعبیری نسبتاً موسع نسبت به آنچه که فویر باخ مطرح نموده بود، ارایه نمود؛ ایشان سیاست جنایی را همزمان «علم مشاهده و مطالعه» و «هنر، فن یا استراتژی اصولی و نظام یافته واکنش ضد جنایی» دانسته است (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۳). بر اساس این دیدگاه سیاست جنایی بدین شرح می‌باشد که: علاوه بر جرم که یک مفهوم حقوقی می‌باشد، به پدیده انحراف (کژروی) نیز که یک پدیده اجتماعی است نیز توجه شده است. علاوه بر جنبه سرکوبی و مجازات بزهکاری رویکرد پیش‌گیرانه را نیز شامل می‌شود که البته این پیش‌گیری، شامل پیش‌گیری اجتماعی در قالب نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... نیز می‌شود (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۴). در ادامه همین فرایند، خانم می‌ری دلماس مارتی، دانشمند دیگر فرانسوی، در اثری با عنوان «مدل‌ها و جنبش‌های سیاست جنایی» به بررسی

همین موضوع در سال ۱۹۸۳ پرداخت. ایشان تاکنون مشهورترین فردی محسوب می‌گردد که تعبیری موسع‌تر از آنچه که استادش مارک آنسل به آن قایل بود، ارائه نموده است. از نظر ایشان، سیاست جنایی، شامل مجموعه روشهایی می‌شود که هیات اجتماع با توسل به آن‌ها به سامان‌دهی پاسخ‌ها در قبال پدیده مجرمانه، می‌پردازد (دلماش مارتی، ۱۳۸۱، ص ۲۳). بر پایه این تعریف، نتایج به دست آمده از مفهوم موسع سیاست جنایی را به شرح زیر می‌توان برشمرد: پاسخ‌ها نسبت به پدیده مجرمانه، صرفاً محدود به پاسخ کیفری نمی‌شود، بلکه دیگر نظام‌های حقوقی (اداری، مدنی، انضباطی، انتظامی، مالیاتی، اجتماعی و...) را نیز در بر می‌گیرد. دو بعدی شدن مصدر پاسخ‌دهی، بدین معنا که علاوه بر پاسخ رسمی نشات گرفته از نهادهای رسمی دولتی، پاسخ‌های غیر رسمی منبعث از جامعه مدنی نیز وجود دارد. به عبارت دیگر، جامعه مدنی در کنار دولت به سازمان‌دهی، پرداخت و اجرای سیاست جنایی می‌پردازد. گسترش دامنه پدیده مجرمانه، بدین معنا که علاوه بر جرم که نقض یک هنجار اجتماعی تقنینی با ضمانت اجرای رسمی می‌باشد، انحراف نیز که بی احترامی به هنجار اجتماعی فاقد ضمانت اجرای رسمی می‌باشد، را نیز شامل می‌شود. پاسخ‌های این رویکرد سیاست جنایی، علاوه بر پاسخ‌های سرکوبگرانه کیفری و غیر کیفری، شامل اقدام‌ها و پاسخ‌های خاص پیش‌گیرانه در برابر جرم و انحراف نیز می‌شود (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۶). بنابراین با این رویکرد، صرف نظر از گسترش مفهوم و دامنه پدیده مجرمانه از جرم، توأمأ به جرم و انحراف، ما شاهد خروج پاسخ به پدیده مجرمانه از دایره صرفاً حکومتی به پاسخ دو بعدی حکومتی مدنی، هستیم؛ به عبارت دیگر، ضمن این که ماهیت رسمی نقش دولت در قبال پدیده مجرمانه حفظ می‌گردد، در کنار آن جامعه مدنی نیز به ایفای نقش می‌پردازد. مهمتر این که نقش جامعه مدنی نه تنها نقش تشریفاتی نمی‌باشد بلکه حتا در مواردی بسته به نوع نظام سیاسی (لیبرال، اقتدارگرا...) نقشی فراتر از نقش رسمی حکومتی نیز دارد. به لحاظ همین ویژگی فراگیر و دو بعدی سیاست جنایی در مفهوم موسع آن یعنی از یک سو شمولیت رفتارهای انحرافی در کنار اعمال مجرمانه و از سوی دیگر نقش و حضور جامعه مدنی در کنار دولت است که در این نوشتار از آن به عنوان الگوی مناسب و کارآمد مورد توجه قرار گرفته است. (صادقی، ۱۳۸۹)

طبیعی‌ترین نتیجه گسترش در مفهوم سیاست جنایی، تنوع تابعان موثر و نقش آفرین در ایجاد یک سیاست جنایی واحد در چارچوب یک قلمرو مشخص ملی می‌باشد. امری که غالباً با چالش‌هایی در عمل روبه رو بوده است. به عبارت دیگر برای رسیدن به یک سیاست

جنایی واحد در مفهوم موسع آن بایستی قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه و در نهایت جامعه مدنی، همگام و همسو حرکت نمایند تا به آن هدفی که از تحقق سیاست جنایی مطرح است، نایل گردند. بنابراین برای رسیدن به این مقصود در سطح قلمرو داخلی نیاز به هم‌آهنگ نمودن سیاست جنایی در لایه‌های ابتدایی آن یعنی در سطح قوای سه گانه و جامعه مدنی ضروری می باشد. نتیجه این هم‌آهنگی همان شکل‌گیری سیاست جنایی مشترک و هم‌آهنگ در سطح ملی می‌باشد که از حرکت هم‌آهنگ و همسوی لایه های ابتدایی سیاست جنایی در سطح ملی شکل می‌گیرد. همین ضرورت همسوی در سطح کلان تری نیز قابل تصور می‌باشد. به عبارت دیگر با توجه به ضرورت هم‌آهنگ‌سازی سیاست های جنایی کشورها در پیش‌گیری و مبارزه با پدیده‌های مجرمانه مشترک منطقه ای، می‌بایستی در اتخاذ سیاست جنایی موثر، چارچوب ذهنی را از قلمرو ملی فراتر نهاده و براساس اقتضای مورد ضرورت محل تصمیم‌گیری نمود. بنابراین با توجه به نوع و قلمرو پدیده‌ای که نیاز به ترسیم سیاست جنایی دارد، می‌توان سیاست جنایی‌های همسو و مشترک را از بعد قلمرو محل تطبیق به دو قلمرو ملی و فراملی تقسیم نمود. ارکان سازنده سیاست جنایی مشترک در سطح ملی عبارتند از: سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی، سیاست جنایی اجرایی، سیاست جنایی مشارکتی. و در کنار این سیاست‌های جنایی ملی، سیاست جنایی فراملی (منطقه‌ای- جهانی) نیز با آن مواجه می‌باشیم.

بند دوم: پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات داخلی میتوان به تحقیق صادق سلیمی تحت عنوان مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایران اشاره نمود. در این تحقیق به طور کلی بیان میدارد که؛ مجرمین یقه سفید کسانی هستند که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می شوند. مهم ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست محیطی، جرایم رایانه ای و جرایم گمرکی. برخی از جرایم یقه سفیدی بزه دیده مستقیم دارند و برخی بزه دیده مستقیم ندارند ولی به هر حال جامعه و اعضای آن بزه دیده واقع می شوند. از این رو، کلیه افراد جامعه باید تشویق به همکاری در مقابله با این جرایم شوند و به اندازه کافی تحت حمایت قانونی واقع شوند. در ایران بیشتر مصادیق جرایم یقه سفیدی جرم انگاری شده ولی تناسب لازم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به

آثار آنها صورت نگرفته است. یاری در این مقاله به بررسی سیاستهای جنایی ایران در برابر جرایم یقه سفید با تاکید بر پیشگیری کیفری میپردازد. با افزایش روزافزون ارتکاب جرایم یقه سفیدی و با توجه به اوصاف و ویژگیهای مختص این جرایم، تمامی دولت‌ها قانع شدند که این جرایم سیاست جنایی خاصی را می‌طلبد. در مباحث جرایم یقه سفیدها علاوه بر پیشگیری غیرکیفری، به پیشگیری کیفری نیز اهمیت داده شده است به طوری که در کنوانسیون‌های متعدد، به خصوص کنوانسیون‌های مریدا و پالمو، دولت‌ها به راهکارهای کیفری همچون بررسی و مطالعه دقیق فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی جدید و جرم‌انگاری، اعمال اهداف خاص پیشگیری کیفری (بازپروری، بازدارندگی خاص، ناتوان‌سازی) جرایم یقه سفیدها، رهنمون شده‌اند. روش تحقیق مورد استفاده در این تحقیق به این شرح است که تحقیق حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نوشته شده است. یافته‌های این تحقیق نیز بدین شرح میباشند که؛ بر همین مبنا در نظام حقوقی ایران همچون دیگر کشورها، پیشگیری کیفری مورد توجه واقع گردیده و بیشتر مصادیق جرایم یقه سفیدها جرم‌انگاری شده است. در این راستا، همگام با دیگر کشورها و نیز در جهت رعایت کنوانسیون‌ها، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در پیش‌بینی مجازات‌ها، تحولات جهانی مربوط به نوع مجازات و برخورد با جرایم یقه سفیدها را تا حدی لحاظ نموده است. و در نهایت به عنوان نتیجه گیری بیان میدارد که در برخورد با جرایم یقه سفیدی در مقایسه با سایر جرایم می‌توان از برخوردهای کیفری بیشتری استفاده کرد. رویکرد اسناد بین‌المللی نیز بیانگر همین نوع سیاست جنایی در برخورد با این نوع جرایم می‌باشد. (یاری ؛ ۱۳۹۲)

حبیب زاده و وروایی در این تحقیق به واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید میپردازند و بیان میدارند که جرایم یقه سفید از جمله جرایمی است که اثرات مخرب آن عملکرد دستگاه کیفری و نهاد قانون گذاری و اجرایی را تحت الشعاع قرار داده است. افزایش فزاینده ارتکاب جرایم یقه سفیدی در کشور با لحاظ اوصاف و ویژگی های آن و حجم هزینه ی تحمیلی به ارکان جامعه اعمال یک سیاست جنایی کارا و کارآمد را در قبال اینگونه جرایم امری قطعی و مسلم نموده است. حساسیت جامعه به جرایمی چون اختلاس، ارتشاء، رانت خواری، سوء استفاده های مالی و کلاهبرداری های کلان وعده امروز بسیار قوی و تیز گردیده است و در این راستا حوزه سیاست گذاری کیفری نسبت به جرایم یقه سفید به حوزه سیاست گذاری عمومی نیز کشیده شده است. مطالعه دقیق دلایل

افزایش اینگونه از جرایم علیرغم متنوع بودن کیفری از انواع جرم انگاری، حتی از نوع مجازاتهای شدید و اینکه این جرایم از کنترل مناسب و کارآمد برخوردار نبوده است مارا به مطالعه دقیق خصایص این گونه جرایم و اینکه چه نوع سیاست جنایی و با چه رویکردی که موجبات کنترل، بازپروری، بازدارندگی و ناتوان سازی مجرمین یقه سفید و پرنفوذ در کشور گردد موضوع توجه قرار گرفته است. (حبیب زاده، وروایی، ۱۳۹۶)

موسوی در این تحقیق به بررسی بزهکاران یقه سفید میپردازد و بیان میدارد که بیش از شش دهه از زمان انتشار اثر مهم و ماندگار "ادوین اچ. ساترلند" تحت عنوان "جرم یقه سفیدی" می گذرد. وی این موضوع را به اعتبار اهمیت آن برای جامعه مدنی آمریکا تشریح کرد و در این مسیر، آغازگر اهتمام دقیق و انجام پژوهشهای جرم شناسانه عمیقی شد که بعدها از سوی جرم شناسان بزرگی دنبال گردید. بر اساس دیدگاه جرم شناسان، "بزهکاران یقه سفید" که اصولاً فاقد وجدان اخلاقی اند، از یک سو، از توان و استعداد بزهکاری بسیار زیادی برخوردارند و از سوی دیگر، میزان سازگاری و قابلیت اجتماعی آنان نیز بالا است. همین امر، مبین آسیبهای احتمالی ناشی از حالت خطرناک این بزهکاران خوش سیما است. بزهکاران یقه سفید، اغلب به طبقات اجتماعی بالا- اعم از سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی- تعلق دارند و با بهره گیری از قدرت و نفوذ موثر خود، به ارتکاب جرایمی همچون کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، جعل، سوء استفاده از کارتهای اعتباری و دیگر جرایم مشابه اقدام می کنند. آنها به لحاظ ظاهر آراسته، و جاهت عمومی و در پناه هوشیاری و مقبولیت اجتماعی، بزهکاران "یقه سفید" نام گرفته اند. در نتیجه اقدامات بزهکارانه آنان، گاه تا مدتها آثار شوم و دهشت باری بر ابعاد ساختاری جامعه به ویژه بعد اقتصادی سایه می افکند. لذا، بررسی و مطالعه جرم یقه سفیدی از دیدگاه جرم شناختی، با توجه به گسترش روز افزون این جرم و پیامدهای مخرب آن، بسیار حائز اهمیت میباشد. (موسوی، ۱۳۸۳)

نصیری در این پژوهش به ساز و کارهای کنترل جرایم یقه سفید با در نظر گرفتن الگوهای کیفری و غیرکیفری میپردازد. به طور کلی بیان میدارد که: جرایم یقه سفیدی در مقایسه با دیگر جرایم به مراتب زیان بارتر و آسیب زننده تر می باشد. زیان های ناشی از این جرایم در سه دسته زیان های اقتصادی، علیه تمامیت جسمانی و اجتماعی اخلاقی تقسیم بندی می شود. در این میان صدماتی که این جرایم به حس اعتماد افراد در سطح جامعه وارد می آورد، مهم ترین نوع آسیب می باشد. این درحالی است که با توجه به روند جهانی شدن به ویژه در عرصه تجارت جهانی و توسعه اینترنت به عنوان ابزاری با کاربری

ارتباطی و تجاری فرصت‌های جدیدی برای ارتکاب جرایم یقه سفیدی در حال شکل‌گیری است. در این پژوهش تلاش شده با مراجعه به منابع مختلف، به ویژه منابعی که بازگوکننده تجربه کشورهای گوناگون در زمینه کنترل جرایم یقه سفید می‌باشند، راهکارهای مختلفی که تاکنون برای کنترل جرایم مذکور پیشنهاد شده‌اند، از جمله الگوی کیفی، مدنی، نظارتی و الگوی کنترل اجتماعی غیررسمی مطالعه و بررسی شوند. هر چند پاسخ دقیق در مورد سازوکارهای مناسب برای کنترل جرایم یقه سفید در کشور، مستلزم مطالعات میدانی و با در نظر گرفتن بسترهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داخلی می‌باشد، از مجموع مطالعات نظری صورت گرفته در این پژوهش چنین برمی‌آید که ترکیبی از الگوهای مختلف پیشنهادی برای کنترل مؤثر جرایم یقه سفید ضروری می‌باشد. (نصیری، ۱۳۹۳)

از آنجایی که این تحقیق در نظر دارد مفهوم و تعریفی جدید از جرایم یقه سفید ارائه نماید، لذا در بخش پیشینه تحقیق با منابع فراوانی مواجهه نیستیم، چرا که در نظر داریم رویکرد جدیدی در تعریف جرائم یقه سفید و همچنین ارائه راهکارهای مناسب ارائه نماییم.

بخش سوم: خلاءهای پژوهشی

از آنجا که این تحقیقات به طور کلی به سیاستهای اجرایی در حوزه قوانین کیفری ایران می‌پردازد و مسائل عمیقتر در حوزه قوانین و تنقین آنها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از نقدهای وارد به قوانین حوزه جرم و کیفری وجود دارند که وجود آنها از مهمترین پارامترهای به وجود آمدن جرایم یقه سفید می‌باشند.

بخش چهارم: چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که این تحقیق به روش کیفی انجام می‌شود از چارچوب نظری که مبنای فرضیه‌های تحقیق قرار می‌گیرد بی‌نیاز است با این حال پرداختن به مباحث سیاستهای جنایی و رابطه سیاستهای جنایی و مجرمین یقه سفید چارچوب مفهومی فراهم می‌کند که راهنمای محقق در خوانش و تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده خواهد بود.

بخش پنجم: مدل مفهومی پژوهش

لازم است سیاستهای جنایی مختلف در مورد جلوگیری مجرمین یقه سفید مورد استفاده و توجه قرار گیرد تا بتوان رویکردی انتقادی بر آنها را تبیین نمود.

سیاست جنایی تقنینی: سیاست جنایی تقنینی، را نه تنها بایستی نخستین لایه سیاست جنایی (نجفی ابرآبادی، مقاله سیاست جنایی، ص ۲۵۹) محسوب نمود بلکه آن را در واقع بایستی هسته اصلی سیاست جنایی (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۹۵) و تعیین‌کننده نوع پاسخ

در قبال پدیده‌های مجرمانه تصور نمود. چرا که با توجه به اصول حاکم حقوق کیفری همانند اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و تبعیت غیر قابل انکار از آن، خود بیانگر اهمیت نوع سیاست جنایی پی‌ریزی شده در قانون به‌وسیله قوه مقننه دارد. بر این اساس سیاست جنایی تقنینی عبارت است از «تدبر و چاره اندیشی قانونگذار در مورد جرم و پاسخ به آن که با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور حالت‌های مختلفی به خود می‌گیرد. سیاست جنایی تقنینی سلیقه‌ی قانونگذاران مختلف و انتخاب‌های آنان در انواع جرایم و مجازات‌ها و به طور کلی نحوه مقابله با پدیده مجرمانه و دادرسی جرایم است» (نجفی ابرآبادی، سیاست جنایی، ص ۲۶۰) بر اساس همین نوع سیاست جنایی کشورها در قبال پدیده‌ها است که کشورها را از لحاظ نوع نگرش و برخورد با پدیده‌های مجرمانه تقسیم بندی می‌نمایند. چرا که در واقع تجلی‌گاه جرم‌انگاری و تعریف و تعیین انواع پاسخ‌ها به رفتارهای حاکی از دور شدن از هنجارهای اجتماعی را که مجرمانه تلقی می‌شوند باید در سطح سیاست جنایی تقنینی یک کشور جست و جو نمود. (صادقی، ۱۳۸۹)

سیاست جنایی قضایی: سیاست جنایی قضایی نیز به معنا «نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه‌ی اعمال قوانین و مقررات مربوط است» (نجفی ابرآبادی، ص ۲۶۱) که البته این استنباط‌ها و برداشت‌ها در تمامی زمینه‌ها و مسایل در محاکم یکسان و برابر نمی باشد. بدین معنا که ممکن است هر یک از محاکم برداشت خاص خود را نسبت به موضوع واحد ارایه نمایند. نهایتاً این تنوع در برداشت منتج به اصل متغییر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری می‌گردد. به همین دلیل و از همین منظر حقوقدانان کیفری، سیاست‌های جنایی تقنینی در زمان را در برابر نسبی بودن سیاست جنایی قضایی در زمان و مکان قرار داده اند (لارز، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱).

سیاست جنایی اجرایی: سومین رکن در راستای سیاست جنایی واحد در سطح ملی، سیاستی است که از سوی قوه مجریه به عنوان رکن اجرایی کشور در راستای تطبیق و اجرای سیاست‌های جنایی اتخاذ شده از سوی قوه مقننه، در پیش گرفته می‌شود. بنابراین «سیاست قوه‌ی مجریه در زمینه‌ی کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین و رویه‌ی قضایی موجود است، سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می‌دهد که نقش پلیس (در معنای گسترده آن شامل همه ضابطان دادگستری) در آن اهمیت ویژه‌ای دارد؛ نقشی که در سطحی کلان به وظیفه‌ی پلیس در تأمین امنیت داخلی کشور باز می‌گردد» (نجفی ابرآبادی، سیاست جنایی، ص ۲۶۳) بدین گونه که پلیس به دو صورت نقش فعالی در

تحقق این سیاست می‌تواند ایفا نماید. هم از جهت کشف و دستگیری متهمین که در مقام ضابط قضایی صورت می‌گیرد و هم از جهت حضور و گشت زنی پلیس در جامعه که باعث پیش‌گیری از جرم و تحقق نظم در جامعه می‌گردد. ناگفته که اگر همین پلیس آن گونه که باید، عمل ننماید ممکن است خود منبع بی‌نظمی و ناامنی در جامعه گردد. بنابراین نقش و اهمیت قوه مجریه از این جهت که رکن اجراکننده سیاست جنایی به شمار می‌رود از دو جهت حایز اهمیت می‌باشد. اول این که، قوه مجریه تنها رکن با صلاحیت در راستای تحقق و اجرای سیاست جنایی اتخاذ شده، می‌باشد. به عبارت دیگر این قوه مجریه است که نقش فعالی در به ظهور رساندن سیاست جنایی در کنار سایر ارکان دارد. از جهت دیگر این که، این تطبیق و اجرا چنان بایستی در هم‌آهنگی با سایر ارکان صورت گیرد که بتوان با یک سیاست جنایی واحد روبه‌رو بود. نه این که برنامه‌ها و یا عملکرد عوامل اجرای در جهت مخالف با سیاست جنایی پیش‌بینی شده از سوی قوه مقننه باشد. (صادقی، ۱۳۸۹)

سیاست جنایی مشترک: چنان که کریستن لازرژ نیز به آن اشاره کرده است به منظور «ایجاد اجماع حول یک سیاست جنایی» (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹) علاوه بر اشتراک ارکان حکومتی، مشارکت رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان و یا به طور کلی جامعه مدنی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. این ضرورت نه از آن جهت است که نقش دولت کاسته گردد، بلکه بدین جهت که جامعه مدنی به عنوان کنشگران عمده سیاست جنایی مطرح بوده و بایستی طبیعتاً مشارکت فعالی نیز داشته باشند (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹). شرکت دادن جامعه مدنی به خصوص مردم در این پروسه صرف نظر از نشان دادن کارایی مردم در این عرصه، خود بدین معنا است که پیش‌گیری و حتا تأمین امنیت به این گروه از جامعه نیز می‌گردد. به عبارت دیگر برای تحقق یک سیاست جنایی واحد در سطح کلان نه تنها مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران این عرصه را نیاز دارد. بلکه نوعی هم‌آهنگی و انسجام در بین تمامی ارکان فوق‌الذکر را نیز می‌طلبد. بنابراین سیاست جنایی مشارکتی یعنی «یک سیاست جنایی همرا با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشند. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است» (نجفی ابراباندی، سیاست جنایی، ص ۲۶۵). شیوه‌های مشارکت مردم و جامعه مدنی در این راستا نیز به طرق مختلف قابل تصور است. این مشارکت در سطح سیاست جنایی تقنینی با عکس‌العملی

که مردم در قبال اعمال و رفتارهای که هنوز تبدیل به قانون نشده است قابل تصور می‌باشد. حال ممکن است این‌گونه رفتارها، از سوی مردم ضد ارزش قلمداد گردیده و تبدیل به قانون گردند و هم چنین ممکن است برعکس همین مردم و جامعه مدنی در قبال طرح‌ها و لوایحی که از سوی دولت تهیه شده است و قرار است به قانون تبدیل گردد، عکس العمل تدافعی نشان دهند. (صادقی، ۱۳۸۹)

سیاست جنایی فراملی (منطقه‌ای - جهانی) : این سوال دیگر مطرح نیست که آیا با جهانی شدن حقوق موافقیم یا نه، این یک واقعیت است؛ حقوق جهانی می‌شود حقوق در بعضی از حوزه‌ها یکباره جهانی می‌شود. غالباً بحران‌ها آغازگر فرایند جهانی شدن حقوق می‌باشد (دلماش مارتی، جهانی شدن حقوق، ص ۱۰۵). صرف نظر از بحث جهانی شدن حقوق، مفهوم دیگر جملات خانم دلماش مارتی این است که بسیاری از بحران‌ها به خصوص بحران‌های جنایی فراسرزمینی، باعث خروج حقوق کیفری از مرزهای سرزمینی می‌شود. به طور مثال، پس از ظهور جرایم سازمان‌یافته فراملی ما شاهد آن هستیم که دولت‌ها اقدام به انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه در قبال این جرایم نموده‌اند. حتی در برخی از موارد ما شاهد گسترش پیمان‌ها از محدوده‌های جغرافیای منطقه‌ای، در سطح جهانی و در قالب کنوانسیون‌ها هستیم. (صادقی، ۱۳۸۹)

بخش ششم: روش شناسی

بند اول: روش تحقیق

داده‌های این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی و به روش کیفی و با ابزار مصاحبه جمع‌آوری می‌شوند. در این تحقیق رویکرد روایت‌پژوهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. روایت‌پژوهی یعنی داستان‌های زیسته و نقل شده (کراسول، ۱۳۹۴، ۷۴-۷۶). روایت‌پژوهی اشکال متعددی دارد و از شیوه‌های تحلیلی متنوعی استفاده می‌کند که ریشه در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی دارد. واژه «روایت» را می‌توان به هرگونه متن یا گفتمانی نسبت داد یا این‌که از آن برای اشاره به حالت خاصی از پویا در پژوهش کیفی استفاده کرد که کانون تمرکز آن داستان‌های نقل شده توسط افراد است. اما در مجموع روایت، متنی گفتاری یا نوشتاری است که حاکی از یک رویداد/ اقدام یا مجموعه‌ای از رویدادها/ اقدامات است که پیوندی تقویمی با هم دارند. محققان برحسب استراتژی‌های تحلیل، نوع متفاوتی از روایت‌پژوهی را برمی‌گزینند.

از روش نمونه‌گیری هدفمند (تعمدی) استفاده شد و تلاش شده است تا حد امکان کسانی برای مصاحبه انتخاب شوند که خود دست اندرکار سیاستگذاری قضایی و قانونی در کشور بودند و اطلاع دست اول دارند. گردآوری داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه مزایای بسیاری دارد و امکان می‌دهد تا فرد پاسخگو دیدگاه‌هایش را کامل‌تر و بهتر از زمانی که به سوالات پرسشنامه یا مصاحبه ساخت یافته پاسخ می‌دهد بیان کند. موزر و ناگل (۲۰۰۲) مصاحبه با متخصصان را نوعی مصاحبه نیمه ساخت یافته می‌دانند. در این جا برخلاف مصاحبه‌های زندگینامه نگارانه به مصاحبه شونده نه به عنوان یک شخص، بلکه به قابلیتش به عنوان متخصص در یک حوزه خاص توجه می‌شود. متخصصان نه به عنوان یک مورد منفرد بلکه به منزله نمایندگان یک گروه از متخصصان خاص در نمونه گنجانده می‌شوند. راهنمای مصاحبه در اینجا کاربرد رهنمودی بیشتری در خصوص حذف موضوعات بی حاصل دارد. مشکل هدایت در اینجا خود را بیشتر نشان می‌دهد، چون فردی که با او مصاحبه می‌شود بیشتر به منزله صاحب توانایی و قابلیت‌های خاصی مورد توجه است تا به منزله یک شخص. در تفسیر مصاحبه با متخصصان هدف عمدتاً تحلیل و مقایسه محتویات دانش متخصصان است. نمونه‌ها در این نوع مصاحبه بر اساس نمونه‌گیری تدریجی انتخاب می‌شوند. (فلیک، ۱۳۸۷: ص ۱۸۴-۱۸۳)

یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. در واقع، تحلیل مضمون، اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید یاد بگیرند. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. مضمون‌الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (کمالی، ۹۷) پژوهشگر در تحلیل مضمون، مباحث مهم مطرح شده در متن را استخراج می‌کند. فرایند تحلیل مضمون شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. تحلیل مضمون فرایندی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد.

بند دوم: روایی و پایایی تحقیق

تحقیق پیش رو در نظر دارد تعریفی جامع و گسترده از مجرمین یقه سفید ارائه نماید. این تعریف میتواند بستر بسیاری از جرایم را تقلیل داده و این رویکرد نظری شناختی

میتواند نیمی از مسیر عملی درمانی را پیموده و از این حیث، دارای نوآوری مخصوص به خود میباشد.

بخش هفتم: یافته های تحقیق

بند اول: مجرمین یقه سفید

مجرمین یقه سفید کسانی هستند که برای رسیدن به اهداف غیر قانونی خویش از روشها و ابزارهای قانونی استفاده میکنند. این مجرمین در دو سطح اقدامات مجرمانه خویش را انجام میدهند. سطح کوچک و خرد، سطح کلان و گسترده. همچنین این مجرمین میتوانند در دو حوزه مجرمانه عملیات را صورت دهند. یعنی میتوانند در جرایم مالی وارد شده و همچنین میتوانند در جرایم علیه اشخاص و جرایم خشن نیز وارد گردند. این مجرمین میتوانند افراد عادی جامعه باشند و همچنین میتوانند از افراد دولتی نیز باشند. پس اشتباه است که خیال کنیم مجرمین یقه سفید فقط به جرایم مالی در مقیاس بزرگ مشغول هستند. مجرمین یقه سفید میتوانند جرایم خشن علیه اشخاص در مقیاسهای کوچکتری را انجام دهند. آنچه که باعث میگردد مجرمین یقه سفید بتوانند در ایران به فعالیتهای مجرمانه خویش دست بزنند ۳ علت زیرساختی است که در قانون مستتر میباشد و این اشکالات قانونی، خاستگاه به وجود آمدن مجرمین یقه سفید میباشد.

بند دوم: عنصر قانونی در نظام حقوقی نوشته

نظام حقوقی ایران بر خلاف نظام کامن لا از نظام حقوقی نوشته یا رومی ژرمنی تبعیت میکند. در حوزه حقوق کیفری برای احراز جرم نیاز به ۳ عنصر قانونی و مادی و روانی دارد. عنصر قانونی همان مواد قانونی است که در متن قوانین عادی وجود دارد. بدون این مواد قانونی نمیتوان کسی را مجرم دانست. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم را چنین تعریف میکند که هر گونه رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم نام دارد. به عبارتی اگر جرمی در ماده قانونی تعریف نگردد، از ناحیه یک شخص قابلیت انتساب ندارد. این امر کاملاً برخلاف رویه نظام حقوقی کامن لا میباشد. در نظام حقوقی کامن لا نیازی به تعریف جرم نیست. رفتار جدید یک شخص که باعث آسیب به دیگران گردد میتواند تبدیل به جرم گردد و بعد از آن تبدیل به قانون شود. محدودیت در عناوین مجرمانه، قدرت مجرمان را برای رسیدن به مقاصد مجرمانه نامحدود میکند. هر چه گستردگی عناوین مجرمانه در نظام حقوقی ایران کاهش یابد، میزان رفتارهای پر ضرر

بیشتر می‌گردد و تعداد مجرمین یقه سفید که بیشتر از قوانین نوشته شده، موارد احصا نشده قوانین را در نظر می‌گیرند، بیشتر میشود.

بند سوم: اصل برائت

اصل برائت از اصول احصا شده در قانون اساسی است. این اصل باعث می‌گردد که در قانونگذاری در زمینه قوانین عادی، از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی و قوانین جزایی، اشکالاتی عمده سر بزند و زمینه خلق مجرمین یقه سفید را بسیار زیاد گرداند. اصل برائت باعث می‌گردد که مقام قضایی اعم از تعقیب و تحقیق و رسیدگی، در ابتدا ادله اثبات لازم را کسب نماید و سپس شخصی را در جایگاه مظنون و متهم بودن وارد نماید و تحت تعقیب قرار دهد. همین اصل علاوه بر اینکه مزایای بیشماری دارد ولی یکی از بزرگترین عیوب آن، ایجاد بستری مناسب برای مجرمین یقه سفید است تا بتوانند با عدم ارائه مدرک و نگذاشتن هیچگونه ردی راه را برای جمع آوری ابتدایی ادله اثبات با صعوبت و سختی مواجه کرده و ادامه راه را برای مقام قضایی با بن بست روبرو نمایند.

بند چهارم: اصل تفسیر مضیق

از دیگر اصول حقوقی نظام حقوقی ایران اصل تفسیر مضیق قوانین ماهوی و قوانین جزایی است. این اصل باعث کوچک شدن میدان تفسیر و کاهش مصداقها و رفتارهای مجرمانه می‌گردد. مجرمین یقه سفید با تکیه بر این اصل، تغییراتی کوچک در رفتار مجرمانه خود به وجود می‌آورند و با تکیه بر این اصل، رفتار خود را از میدان مصداقی جرم مورد نظر خارج می‌گردانند. غایت مجرمانه در اینگونه موارد حفظ شده است ولی مصداق مجرمانه احراز نمی‌گردد به خاطر منطبق نبودن مفهوم با رفتار مجرم یقه سفید.

بند پنجم: اصل تفسیر به نفع متهم

اصل تفسیر به نفع متهم باعث می‌گردد در موارد سکوت قانون و در مواردی که قانون نیاز به روشن شدن دارد و مبهم مانده است، جایگاه قضاوت به نفع متهم نگاه خویش را برگردانده و زمینه خروج متهم از جرم را مهیا نماید. این اصل کاملاً با اصل برائت همخوانی دارد و متأسفانه قدرت مجرمین یقه سفید را برای ارتکاب جرم بیش از پیش مینماید. این اصل باعث می‌گردد که مجرمین یقه سفید با چنگال قانون مواجه نباشند و در عوض قانون را به عنوان پناهگاهی محکم و امن برای خویش یابند.

بند ششم: سیاستهای جنایی

با توجه به کل گونه های سیاستهای جنایی در ایران میتوان نتیجه گیری نمود که بیشتر این سیاستها رویکردی سخت افزاری داشته و توان پیش گیری از ایجاد فضای مجرمانه را ندارند. حتی سیاستهایی که صفت پیشگیری را با خود یدک میکشند از لحاظ نرم افزاری دارای این خصیصه نیستند. سیاست جنایی که واقعا بتواند پیشگیری ایجاد نماید بایستی به شکلی باشد که مجرم یقه سفید را در ذهنش با بن بستهای بزرگ روبرو کند و وارد عنصر روانی جرم او شده و مانع تحقق عنصر مادی و بروز رفتار مجرمانه وی گردد. سیاست جنایی پیشگیرانه موفق لازم است بتواند به عنوان پارامتری مهم و موثر در تجزیه تحلیلهای ذهن یک مجرم وارد گردد و مانع ایجاد جرم شود. این رویکرد با سبک یا سنگین یا هدفمند کردن مجازات محق نمیگردد. بلکه منظور از این نوع سیاست نرم افزاری، اقدامی فراتر از اقدامات صرفا حقوقی است. به عبارتی شاید با ورد تکنولوژی به یک زمینه، زمینه تحقق بسیاری از جرایم، بالاخص جرایم یقه سفید نه تنها کاهش یابد که به صفر نیز برسد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

نتیجه گیری

به طور کلی بر اساس این پژوهش نتیجه میگیریم که مجرمین یقه سفید تعریف جامع تری را دربر میگیرند و میتوانند افراد بیشتری را شامل گردند. نمیتوان بیان کرد که مجرمین یقه سفید کسانی هستند که صرفا با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری خود مرتکب جرایم سودآور غیرخشن می شوند. مهم ترین مصادیق جرایم ارتكابی مجرمین یقه سفید عبارتند از: کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشا)، جرایم کاری و استخدامی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم زیست محیطی، جرایم رایانه ای و جرایم گمرکی. برخی از جرایم یقه سفیدی بزه دیده مستقیم دارند و برخی بزه دیده مستقیم ندارند ولی به هر حال جامعه و اعضای آن بزه دیده واقع می شوند. از این رو، کلیه افراد جامعه باید تشویق به همکاری در مقابله با این جرایم شوند و به اندازه کافی تحت حمایت قانونی واقع شوند. در ایران بیشتر مصادیق جرایم یقه سفیدی جرم انگاری شده ولی تناسب لازم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به آثار آنها صورت نگرفته است. این تعریف و رویکرد میتواند زمینه مقابله با مجرمین یقه سفید را در ابعاد عملیاتی تری محقق گرداند.

پیشنهادهات

مطابق با این پژوهش پیشنهاد میگردد که در مقام تقنین و قانون گذاری، به گونه ای عمل گردد که زمینه به وجود آمدن مجرمین یقه سفید کاهش یافته و نزدیک به صفر گردد. به گونه ای قانونگذاری به عمل آید که مجرمین یقه سفید در بروز رفتار خود مجبور باشند حریم قانونی را بشکنند و از خود آثار مجرمانه برجای گذارند، نه اینکه بتوانند با استفاده از قوانین، پناهگاهی برای جرایم خود ایجاد نمایند. سپس پیشنهاد میگردد که با ورود تکنولوژی به حوزه های جرم شناسی و ابعاد پیشگیری از جرم، زمینه رشد و نمو مجرمین یقه سفید به حداقل ممکن برسد.



منابع و مأخذ

الف) منابع داخلی و فارسی

- ۱- یاری حاج عطالو، رحیم؛ ۱۳۹۲، سیاستهای جنایی ایرار در برابر جرایم یقه سفیدی با تاکید بر پیشگیری کیفری، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، مقاله ۱، دوره ۴، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱ تا ۳۴.
- ۲- حبیب زاده مومن، بهنام؛ وروایی، اکبر؛ ۱۳۹۶؛ واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید، فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر، سال یازدهم، زمستان ۱۳۹۶.
- ۳- موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۳، بزهکاران یقه سفید، فلصنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳.
- ۴- نصیری، مصطفی؛ ۱۳۹۳، ساز و کار کنترل جرایم یقه سفید با تکیه بر الگوهای کیفری و غیر کیفری، فصلنامه علمی پژوهشی کارآگاه، دوره ۷، پاییز ۱۳۹۳.
- ۵- صادقی، احمد رضا، مقاله: سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای عاملی موثر در پیش‌گیری از جرایم و مواد مخدر، ماهنامه عدالت، شماره ۸۶، سال دوازدهم، ۱۳۸۹.
- ۶- مداح، افشین؛ ۱۳۹۸، مکانیسم مبارزه با مفاصد اقتصادی شبکه ای در اقتصاد ایران، انتشارات برتراندیشان.
- ۷- مداح، افشین، ۱۳۹۹، الف میم و ۱۰۱ دزد حرفه ای، انتشارات جهش یادگیری.
- ۸- غفاری، سولماز، ۱۳۹۹، بررسی علل ارتکاب جرایم سازمان یافته شبکه ای توسط مجرمین یقه سفید.